

از مایکل آنتوان، سرتیم گروه کارشناسی آمریکا چه می‌دانیم؟

یک «نا» دیپلمات دیگر در مسقط



علی ملکی

خبرنگار گروه سیاست

سومین مرحله از مذاکرات غیرمستقیم ایران و آمریکا امروز شبه ۶ اردیبهشت درحالی آغازمی‌شود که رابزنی‌هاوارد فضای فنی وکارشناسی شده و «مایکل آنتون»، چهره‌ای محافظه‌کار به عنوان سرتیم هیئت آمریکایی انتخاب شده است. «تامی بروس»، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا اعلام کرده اگرچه «استیو وینکاف»، فرستاده ویژه آمریکا، برای دور جدید مذاکرات به عمان سفر می‌کند اما مذاکرات فنی به رهبری مایکل آنتون، مدیر برنامه‌ریزی سیاست‌های وزارت خارجه پیش خواهد رفت. هر دو طرف مذاکرات قبلی را «مثبت و سازنده» توصیف کرده‌اند اما حضور آنتون با پیشینه‌ای ضدایرانی و فاقد تجربه دیپلماتیک مرتبط جدی، اتفاقات جاری در عمان را بحث‌برانگیزتر می‌کند. این انتخاب می‌تواند نشانه‌ای از رویکرد جدی و عجولانه دولت ترامپ باشد، به‌ویژه با توجه به اظهارات پیشین آنتون که ایران را تهدیدی نیازمند فشار نظامی می‌داند. مذاکرات امروز که در سطح کارشناسی برگزار می‌شود بر جزئیات فنی تمرکز دارد با این حال دیدگاه‌های آنتون، ازجمله حمایت از سیاست‌های فشار حداکثری و توجیه ترور سردار شهید حاج قاسم سلیمانی، نگرانی‌هایی را از بابت حصول یک توافق منطقی برانگیخته است. کارنامه عملی آنتون تقریباً تهی از مذاکرات هسته‌ای و فعالیت در وزارت خارجه ایالات متحده است و به‌نظر می‌رسد دیدگاه‌های چندگانه کابینه ترامپ درباره مواجهه با ایران، او را ناچار به انتخاب گزینه‌های وفادار و معتمد کرده تا مبادا پروژه توافق با ایران هم به سبب برنامه‌های شکست‌خورده‌اش در سیاست خارجی اضافه‌شود.

■ ■ ■

نوبت توجیه‌گر

مایکل آنتون ۵۶ساله بیش از آنکه یک دیپلمات باشد، یک تحلیلگر سیاسی، نویسنده و توریسین محافظه‌کار است که با مقالات و نقش‌های مشاوره‌ای خود در محافل راست‌گرای آمریکا شهرت یافته است. معروف‌ترین اثر او مقاله «انتخاب پرواز ۹۳» در سال ۲۰۱۶ منتشر شد و انتخابات ۲۰۱۶ را به رایش پرواز ۹۳ در ۱۱ سپتامبر تشبیه کرد، با این استدلال که رأی به ترامپ ضروری است تا از سلطه چپ‌گرایان جلوگیری شود. این مقاله او را به یکی از صداهای برجسته در جنبش «اول آمریکا» تبدیل کرد. آنتون پیش از نقش کنونی‌اش به عنوان مدیر برنامه‌ریزی سیاست در وزارت امور خارجه، در دولت اول ترامپ به عنوان معاون دستیار رئیس‌جمهور در ارتباطات استراتژیک در شورای امنیت ملی فعالیت داشت. او همچنین به عنوان نویسنده سخنرانی برای سیاستمدارانی از جمله رودی جولیانی، کندی رایس و روبرت موداک و مدیر ارتباطات در شرکت‌های سی‌تی‌گروپ و بلک‌راک کار کرده است. دیدگاه‌های جنجالی‌آنتون، به‌ویژه انتقاداتش از تنوع فرهنگی و مهاجرت مسلمانان، او را به شخصیتی حساس و بالقوه مخالف منافع ایران تبدیل کرده است. انتخاب او برای هدایت مذاکرات فنی هسته‌ای که امروز آغاز می‌شود، پرسش‌هایی درباره نیت آمریکا در این گفت‌وگوها ایجاد می‌کند. آیا مایکل به دنبال توافقی منصفانه است یا تأیید تصویری که از ترامپ در ذهن داریم و صرفاً ابزاری برای پیشبرد سیاست‌های سخت‌گیرانه‌تر علیه ایران؟

تئوریسین ایران‌ستیز

آنتون بیش از آنکه یک دیپلمات عملیاتی باشد، یک توریسین محافظه‌کار با ریشه‌های فکری در فلسفه سیاسی «لئو اشتراوس» و شاگرد «هری وی.

«فرهیختگان» آورده‌ها و پیامدهای ایدهٔ توافق موقت احتمالی را بررسی می‌کند

نوستالژی ژنو؟

بر اساس گزارش اخیر خبرگزاری آکسیوس در جریان گفت‌وگوهای روز شنبه گذشته وزیر امور خارجه ایران، سیدعباس عراقچی به فرستاده کاخ سفید، استیو وینکاف پیشنهاد کرده است که به دلیل پیچیدگی‌های دستیابی به یک توافق جامع هسته‌ای ابتدا مذاکرات روی یک توافق موقت متمرکز شود. این پیشنهاد با پاسخ محتاطانه وینکاف مواجه شده که تأکید کرده است اولویت کنونی، دستیابی به یک توافق جامع در بازه زمانی ۶۰ روزه مدنظر دونالد ترامپ است، اما در صورت نیاز به زمان بیشتر، ایده توافق موقت می‌تواند مورد بازنگری قرار گیرد.

یکی از سؤالاتی که ذهن هر فرد پیگیر مذاکرات بین تهران و واشگتن را درگیر می‌کند این است که آیا شیوه جدید مذاکرات با استفاده از تجربه مسیر طی شده برجام مشابه با آن اتخاذ می‌شود و یا اینکه برای جلوگیری از شکست مجدد، توافق جدید از مسیری کاملاً متفاوت پیگیری می‌شود؟ تا به این جای کار گزینه اول به نظر محتمل‌تر می‌رسد چون مطالبات اصلی تغییری نکرده است. آمریکا از ایران محدودیت غنی‌سازی را مطالبه کرده و ایران هم پذیرفته بدون ورود به سایر موضوعات در مقابل رفع تحریم‌ها در مورد میزان غنی‌سازی خود مذاکره کند. آنچه این گزینه را محتمل‌تر می‌کند که تجربه مذاکرات برجام برای ساختن ریل مذاکرات جدید نیز به کار گرفته شود. برخی گمانه‌زنی‌ها در مورد مطالبه ایران برای رسیدن به یک توافق موقت قبل از توافق جامع است، یعنی مشابه همان چیزی که در مذاکرات برجام انجام شده بود. این گمانه‌زنی اگرچه دقیق نیست؛ اما به نظر نمی‌رسد که تجربیات آموخته‌شده از مسیر توافق موقت و سپس توافق جامع پیشین در میز مذاکرات جدید به‌طور کامل دور انداخته‌شود. توافق موقت هسته‌ای همان‌طور که در تجربه ژنو مشاهده شد می‌تواند ابزاری مؤثر برای کاهش تنش‌ها و ایجاد فضای مذاکره باشد. بااین حال موفقیت آن به طراحی دقیق، توازن تعهدات و مدیریت ریسک‌ها بستگی دارد. ایران با درس‌گیری از تجربه ژنو، می‌تواند در مذاکرات جدید رویکردی اتخاذ کند که ضمن حفظ منافع ملی، از تکرار مشکلات گذشته جلوگیری کند.

■ ■ ■

روایابی درمورد توافق زودهنگام قدرت‌امتیازگیری‌رامی‌گیرد

قبل از آنکه به این پرسش پاسخ داده شود که توافق موقت چه دستاوردها و پیامدهایی دارد باید به این موضوع تأکید شود که روایابی درمورد زودهنگام بودن هرگونه توافقی قبل از آنکه وزارت خارجه چنین موضعی اتخاذ کرده باشد صرفاً افکار عمومی را به حالت انتظار قرار داده و باعث می‌شود طرف

دیپلماسی، بلکه تهدیدی می‌بیند که باید با فشار نظامی و تحریم مهار شود. رویکردی که با منافع ایران که به دنبال احترام متقابل و رفع تحریم‌های ظالمانه است، در تضاد است.

رابزن بی‌تجربه

زمانی‌که ترامپ، استیو وینکاف را به‌عنوان رئیس تیم مذاکره‌کننده با ایران انتخاب کرد، عده‌ای از اعضای کاخ سفید و کنگره نسبت به آن انتقاد کردند و مدعی بی‌تجربه بودن او در زمینه دیپلماسی مذاکره‌شدند. حالا ترامپ با تکیه بر پارامتر همیشگی‌اش یعنی وفاداری، فردی را به‌عنوان سرتیم رابزنی‌های فنی با ایران منصوب کرده که به مراتب تجربه کمتری نسبت به وینکاف دارد. رزومه او بیشتر بر تحلیل سیاسی، نویسندگی و نقش‌های مشاوره‌ای متمرکز است تا مذاکرات بین‌المللی پیچیده. وینکاف اما حداقل در مذاکرات برجام و در ماجرای اوکراین نقش داشت و می‌توان گفت تا حدودی با پیچیدگی‌های دیپلماسی هسته‌ای آشناست. در مقابل، تجربه آنتون شامل نقش‌هایی مانند معاون دستیار رئیس‌جمهور در شورای امنیت ملی، نویسنده سخنرانی برای مقامات و مدیر ارتباطات در شرکت‌های خصوصی است. نقش کنونی او به عنوان مدیر برنامه‌ریزی سیاست نیز بیشتر برنامه‌ریزی و کمتر میدانی است. برخلاف وینکاف که با زیان دیپلماسی و مذاکره ناآشنا نیست، آنتون ممکن است رویکردی غیر منعطف داشته باشد که می‌تواند مذاکرات را با چالش روبه‌رو کند. البته سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان هم چندین بار تأکید کرده که اگر ایران احساس کند طرف مقابل به جای گفت‌وگوی برابر، به دنبال تحمیل شروط است، ممکن است مذاکرات به نتیجه نرسد. با این‌حال خلأ تجربه می‌تواند هم برای مادرسراز باشد و هم فرصت‌های خوبی در اختیار هیئت مذاکره‌کننده قرار دهد.



■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

وفاداران ویژهٔ ترامپ در خاورمیانه

دونالد ترامپ در دور دوم ریاست‌جمهوری خود با کابینه‌ای مواجه است که در مورد ایران دچار چنددستگی است. برخی مقامات مانند سناتورها لیندزی گراهام و جان فترمن، خواستار اقدام نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران هستند درحالی‌که برخی دیگر مانند مارکو روبیو، وزیر امور خارجه به دیپلماسی محدود تمایل دارند. در این میان آنتون به عنوان یکی از معتمدان ویژه ترامپ انتخاب شده که نشان‌دهنده اعتماد شخصی رئیس‌جمهور به او برای پیشبرد سیاست‌هایش در پرونده حساس ایران است. شواهد این اعتماد هم کم نیست. آنتون در دولت اول ترامپ به عنوان حامی سرسخت شعار «اول آمریکا» فعالیت داشت و با مقاله «انتخاب پرواز ۹۳» ترامپ را شیفته خود کرد. دلیل انتخاب مایکل به عنوان سرتیم مذاکرات فنی، علی‌رغم فقدان تجربه دیپلماتیک هم گواهی بر این موضوع است. مذاکرات هسته‌ای با ایران یکی از حساس‌ترین پرونده‌های سیاست خارجی برای کاخ سفید محسوب می‌شود و ترامپ که از پیش از انتخابات وعده تحقق توافق سریع با ایران را داده حاضر نیست مسئولیت آن را به هرکسی محول کند. اختلافات داخلی اطراف ترامپ هم می‌تواند بر قدرت مانور تیم مذاکره‌کننده اثر بگذارد و از سوی دیگر ممکن است پژواک تهدیدات ترامپ نیز باشد. نشریه پولیتیکو در معرفی مایکل به نقل از یک مقام گفته است که آنتون اطمینان خواهد داد که «دستور کار رئیس‌جمهور» دنبال شود.

آنتون در دولت اول ترامپ نقش مهمی به عنوان توجیه‌گر سیاست‌های او، به‌ویژه در حوزه سیاست خارجی و امنیت ملی بازی کرد. او از سیاست‌های غافلگیرکننده ترامپ مثل «خروج از برجام» و «اعمال فشار حداکثری» علیه ایران حمایت کرد و در مصاحبه‌ای در سال ۲۰۲۰ با NTD حمله به سردار شهید قاسم سلیمانی را یک «ضربه قاطع» توصیف کرد که تهدید ایران را کاهش داد. اگرچه او مستقیماً در مذاکرات برجام دخیل نبود اما دیدگاه‌هایش در شورای امنیت ملی نشان‌دهنده حمایت از سیاست‌های ضدایرانی بود. مقاله «انتخاب پرواز ۹۳» نیز به توجیه ایدئولوژیک سیاست‌های ترامپ، ازجمله رویکرد خصمانه علیه ایران، کمک کرد. بنابراین امروز یکی از حامیان و توجیه‌گران سیاست فشار حداکثری علیه ایران، در جایگاه سرتیم فنی مذاکره قرار گرفته و قرار است به حصول توافقی کمک کند که تأمین‌کننده منافع طرفین باشد.

هم فرصت هم تهدید

امروز، مرحله اول مذاکرات غیرمستقیم در سطح کارشناسی با هدایت مایکل آنتون برگزار می‌شود. این مذاکرات پس از دو دور گفت‌وگوی غیرمستقیم در عمان و ایتالیا، که هر دو طرف آن‌ها را «مثبت و سازنده» توصیف کرده‌اند، انجام می‌شود. آنتون مسئول هدایت تیمی حدوداً دوازده‌نفره از کارشناسان فنی است که جزئیات توافق احتمالی را تنظیم می‌کنند.

مایکل آنتون، تحلیلگر محافظه‌کار، توریسین ضدایرانی و معتمد ویژه دونالد ترامپ، نقشی کلیدی در مذاکرات هسته‌ای کنونی با ایران ایفا می‌کند. فقدان تجربه دیپلماتیک عمیق او، در مقایسه با دیپلمات‌هایی مانند استیو وینکاف، ممکن است مذاکرات را پیچیده کند، اما اعتماد ترامپ به او نشان‌دهنده عزم آمریکا برای پیشبرد جدی سیاست‌هاست. آنتون شخصیتی است که باید با احتیاط و او برخورد کرد. دیدگاه‌های خصمانه او، حمایت از سیاست‌های فشار حداکثری و نقشش به عنوان توجیه‌گر ترامپ، او را به مذاکره‌کننده‌ای غیر منعطف تبدیل می‌کند که احتمالاً به دنبال تحمیل شروط سخت‌گیرانه‌تر خواهد بود. با این حال، ایران می‌تواند با استفاده از تجربه دیپلماتیک خود و اختلافات داخلی در کابینه ترامپ، از این مذاکرات به نفع خود بهره‌برد.

■ ■ ■

عبرت‌های ژنو فراموش نشود

یکی از مشکلات اصلی توافق موقت ژنو، عدم پایبندی به بازه زمانی شش‌ماهه بود. اگرچه توافق برای یک دوره موقت طراحی شده بود، اما مذاکرات به دلیل پیچیدگی‌های فنی و سیاسی حدود ۲۰ ماه طول کشید. این تعلیمد مکرر، ایران را در حالت تعلیق نگه داشت و از بهره‌برداری کامل از مزایای اقتصادی توافق جلوگیری کرد. یکی از انتقادات اصلی به توافق موقت، عدم تقارن در اجرای تعهدات بود. ایران به‌سرعت تعهدات خود، از جمله توقف غنی‌سازی ۲۰ درصد و تبدیل ذخایر موجود را اجرا کرد. در مقابل، گروه ۵+۱ از اجرای تعهدات خود، به‌ویژه در زمینه رفع تحریم‌ها، کند عمل کرد. اگرچه توافق موقت برخی تحریم‌ها را لغو کرد اما بسیاری از تحریم‌های کلیدی مانند تحریم‌های بانکی و حمل‌ونقل، پابرجا ماندند. این محدودیت‌ها باعث شد که ایران نتواند به‌طور کامل از مزایای اقتصادی توافق بهره‌مند شود. برای مثال، حتی با لغو تحریم‌های نفتی، مشکلات بانکی مانع از انتقال کامل درآمدهای نفتی به کشور شد. در وضعیت نشان داد که رفیع تحریم‌های جزئی بدون رفع تحریم‌های اصلی تأثیر محدودی دارد. یکی از نگرانی‌های اصلی درباره توافق موقت، ریسک بدهعیدی طرف مقابل، به‌ویژه ایالات متحده، بود. تجربه توافق ژنو و بعدها برجام نشان داد که آمریکا ممکن است به تعهدات خود پایبند نماند. در توافق موقت ایران امتیازاتی مانند توقف غنی‌سازی ۲۰ درصد و پذیرش نظارت‌های اضافی را ارائه داد، اما در مقابل مزایای اقتصادی دریافتی محدود بود.

راه تکرارنشدن اشتباه‌های ژنو؟

تجربه ژنو نشان داد که برای موفقیت توافق موقت، باید توازن دقیقی بین تعهدات طرفین برقرار شود. ایران باید اطمینان حاصل کند که هر امتیازی که ارائه می‌دهد، با اقدامات ملموس و قابل‌تأیید از سوی طرف مقابل همراه است. برای مثال، رفع تحریم‌های بانکی باید به‌صورت هم‌زمان با تعهدات هسته‌ای ایران اجرا شود تا از مشکلات اجرایی جلوگیری شود. دیگر درس کلیدی ژنو، ضرورت تعیین بازه زمانی واقع‌بینانه است. در توافق موقت جدید باید جدول زمانی مشخص و قابل اجرا تعیین و مکانیسم‌هایی برای جلوگیری از تعلیمد غیرضروری پیش‌بینی شود. باتوجهبه سابقه بدهعیدی آمریکا ایران باید در توافق موقت جدید سازوکارهایی برای کاهش ریسک پیش‌بینی کند. تجربه ژنو نشان داد که رفع تحریم‌های جزئی بدون رفع تحریم‌های اصلی تأثیر محدودی دارد. در توافق موقت جدید ایران باید بر رفع تحریم‌های بانکی، حمل‌ونقل و نفتی به‌صورت هم‌زمان تأکید کند و دستاوردهایی قابل‌ارزیابی را مطالبه کند تا از مزایای اقتصادی واقعی برخوردار شود.

مخالفان درمورد خالی‌شدن دست ایران قبل از مذاکرات جامع نگرانند

در مقابل مخالفان توافق موقت استدلال می‌کنند که ایران ممکن است در ازای تعهدات محدود، امتیازات قابل‌توجهی مانند کاهش فعالیت‌های هسته‌ای بدهد، اما آمریکا به تعهدات خود پایبند نماند. این امر ایران را در موقعیت ضعف قرار می‌دهسد. از دیدگاه این طیف با پذیرش توافق موقت عدم ممکن است بخشی از اهرم‌های خود، مانند پیشرفت‌های هسته‌ای را از دست بدهد درحالی‌که تضمینی برای دستیابی به توافق جامع وجود ندارد. علاوه بر این توافق موقت نیازمند نظارت و راستی‌آزمایی دقیق است. باتوجهبه سابقه اختلافات در اجرای برجام، این فرایند می‌تواند به تنش‌های جدید منجر شده و احتمال تحقق توافق جامع را کاهش دهد به‌ویژه که سابقه دونالد ترامپ در خروج از برجام و اعمال تحریم‌های جدید، پایبندی او به هرگونه توافق، حتی توافق موقت را محل تردید قرار می‌دهد.

در تجربه مشابه چه حاصل شد

توافق موقت ژنو در سال ۱۳۹۲ یکی از نقاط عطف در مذاکرات هسته‌ای ایران با گروه ۵+۱ بود. این توافق به‌عنوان یک آتش‌بس موقت طراحی شد تا فضای لازم برای مذاکرات جامع فراهم شود. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای توافق موقت ژنو برای ایران، حفظ ساختار کلی برنامه هسته‌ای بود. این توافق به ایران اجازه داد تا بدون عقب‌گرد یا توقف دائمی، فعالیت‌های هسته‌ای خود را ادامه دهد. به‌عنوان مثال، غنی‌سازی اورانیوم زیر ۵ درصد در تأسیسات نطنز و فردو بدون وقفه ادامه یافت. همچنین امکان توسعه کیفی برنامه هسته‌ای از طریق تحقیق وتوسعه حفظ شد. این امر به ایران این اطمینان را داد که قابلیت‌های هسته‌ای‌اش، حتی در دوره محدودیت‌های موقت از بین نمی‌رود و می‌تواند در کمتر از ۲۴ ساعت بخش‌های متوقف‌شده را فعال کند. توافق ژنو موفق شد روند تشدید تحریم‌های نفتی را متوقف کند. پیش از توافق، صادرات نفت ایران به‌دلیل تحریم‌های آمریکا از ۲/۵ میلیون بشکه در روز به کمتر از یک میلیون بشکه کاهش یافته بود.

همچنین توافق موقت با ایجاد کانال‌های بانکی برای تأمین مواد غذایی، دارویی و تجهیزات پزشکی و افزایش سقف مبادلات تجاری باارو، با به‌صورت مقطعی به‌بهرود وضعیت اقتصادی کمک کرد. آزادسازی ۲/۲ میلیارد دلار از درآمدهای مسدودشده ایران نیز تقلیدنی‌گویی مهمی را در اختیار کشور قرار داد. این توافق با تعیین چشم‌اندازی برای گام‌نهایی، مذاکره‌کنندگان را ملزم کرد تا در بازه زمانی مشخصی به‌سمت توافق جامع حرکت کنند. این ساختار اگرچه در عمل به طولانی‌شدن مذاکرات منجر شد اما از این‌بست دیپلماتیک جلوگیری کرد و امکان ادامه گفت‌وگوها را فراهم آورد.